هر علمي مشتمل بر مباني و مقدماتي‌ست كه اگر چه خارج از آن علم هستند، ولي تأثير فراواني در درك بهتر آن علم و رشد و تغييرات آن دارند. مدخل هر علم راهي‌ست براي ورود دقيق و كارآمد به علم، زيرا تمامي اين اطلاعات فراعلمي را در اختيار طلبه قرار مي‌دهد.

علم فقه هم مانند علوم ديگر نيازمند مدخل است. اين مدخل از منابع فقه، ابواب و مباحث فقه، ادوار تاريخي فقه و حتي اعلام و بزرگان و آثار توليد شده توسط آن‌ها صحبت مي‌كند.

ويژگي كتاب حاضر اين است كه به عنوان كامل‌ترين مدخل براي علم فقه، به صورت تطبيقي و با نگاهي به ديگر مذاهب اسلام تدوين شده است و مي‌تواند معرّف شايسته‌اي براي فقه شيعه در مقايسه با فقه ساير فِرَق و مذاهب باشد.

1. پرداختن تخصّصي به مختصّات و ويژگي‌هاي علم فقه و مباني آن
2. نگاه تطبيقي به فقه شيعه در كنار فقه ساير مذاهب اسلامي
3. كامل بودن مباحث و طرح تمامي آن‌چه براي شناخت علم فقه لازم است
4. ارائه بحث‌ها به صورت درس كه تعليم و تعلّم مباحث را تسهيل مي‌كند
5. ارائه خلاصه‌اي بسيار مختصر در انتهاي هر درس تحت عنوان نكات مهم
6. طرح پرسش‌هايي در پايان درس براي افزايش مهارت و ارزيابي يادگيري
7. بيان توضيحاتي بسيار راهگشا و گويا در ابتداي هر درس براي مشخص كردن جايگاه آن درس نسبت به درس گذشته و آماده‌سازي ذهن براي ورود به بحث
8. استفاده از قلم مناسب براي عبارت‌هاي عربي، همراه با اِعراب
9. تبويب و فصل‌بندي منظّم و دقيق درس‌هاي كتاب
10. نگارش به زبان فارسي و استفاده از ادبياتي بسيار روان كه فهم متن را ساده و آسان مي‌نمايد

كتاب در چهار «محور» تدوين يافته است كه هر محور مشتمل بر تعدادي «فصل» است و هر فصل «درس»هايي را پوشش داده است.

# محور اول: فقه‌هاي مضاف

هم از جهت موضوع و هم از جهت مكلّف مي‌توان فقه‌هاي مضاف را دسته‌بندي كرد. دسته ديگري از فقه‌هاي مضاف هم مبتني بر بُعدي از ابعاد زندگي بشر هستند. بنابراين سه‌گونه فقه مضاف در اين محور مورد بررسي قرار گرفته‌اند.

# محور دوم: فقه معاصر

در اين محور از اسباب پويايي و تكامل فقه سخن به ميان آمده است. هدف اين است كه فقه تكامل‌يافته متناسب با جهان معاصر را بهتر بشناسيم.

# محور سوم: فقه حكومتي

اگر چه فقه حكومتي زيرمجموعه فقه مضاف محسوب مي‌شود، اما به جهت گستره مباحث تابعه ضرورت دارد به صورت مستقل مورد بحث قرار گيرد.

# محور چهارم: فقه اولوّيات

توجه فقيه به واقعيت‌هاي خارجي و الزامات آن سبب ايجاد اولوّيت‌هايي در تفقه مي‌شود كه در اين محور بيان شده.

درس اول: شاخه‌هاي معارف اسلامي

درس دوم: فقه در لغت و اصطلاح

درس سوم: اجتهاد در لغت و اصطلاح

درس چهارم: اجتهادِ مذموم

درس پنجم: اجتمادِ ممدوح

درس ششم: مقدمات اجتهاد

درس هفتم: تجزّي در اجتهاد

درس 8 و 9: تخطئه و تصويب

درس 10 تا 29: منابع چهارگانه فقه؛ كتاب، سنّت، عقل و اجماع

درس 30 تا 32: قياس و استحسان

درس 33 و 34: استصلاح

درس 35: عُرف

درس 36: شريعت سلف و مذهب صحابي

درس 37 تا 44: ابواب فقه شيعه

درس 45 تا 68: ادوار فقه اماميه

درس 69 تا 86: آشنايي با فقه اهل سنّت

درس 87: طرح ساماندهي مباحث فقه

براي تهيه كتاب و يا ارسال انتقادات و پيشنهادات خود، به صورت حضوري به نشاني …………………………………………… مراجعه فرموده و يا براي ارتباط مجازي با پيام‌رسان …………………………………… و يا تلفن ……………………………… مركز تدوين كتب تماس حاصل فرماييد.

مذاهب فقهي از گذشته تا كنون با هم در تعامل بوده‌اند و هر مذهبي با نظر به ديگر مذاهب، مباني و مباحث خود را استحكام و اتساع مي‌بخشيده است. داستان رقابت ميان مذاهب فقهي اهل سنّت مُفصّل است؛ ولي در اينجا به نحوه تماس فقه شيعي با فقه سنّي به معناي اعمّ آن - كه همه مذاهب فقهي اهل سنّت را شامل است - نظر داريم. يك سؤال اساسي در اينجا آن است كه آيا واقعاً فقه شيعي در توسعه و تعميق مباحث، تابع فقه سنّي بوده و اين چگونه درست است كه گويند فقه شيعي حاشيه‌اي بر فقه سنّي بوده است؟ سؤال ديگر، كه پاسخ آن وابسته به پاسخ سؤال اول است، آن است كه چه ضرورتي ما را به سوي مطالعات تطبيقي و مقارنه‌اي در عرصه فقه فرا مي‌خواند . . . با اين توضيح، ديگر نبايد حاشيه‌اي بودن فقه شيعه را به معناي كم‌اهميت بودن آن در مقايسه با فقه سنّي دانست كه بر اساس اين تعبير، فقه سنّي نسبت به فقه شيعه، متن و اصل خوانده مي‌شود. شايد تعبير گوياتر آن باشد كه بگوييم فقه شيعي ناظر به فقه سنّي است.